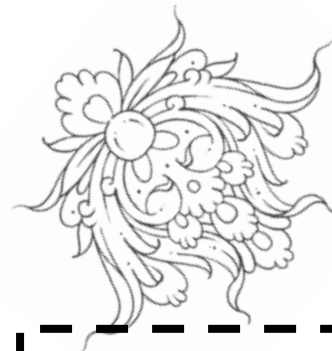


یک نکته از این معنی...



البته بارها و بارها گفته ایم با تلاشی که دولت محترم و مسئولین دولت دارند انجام می دهند ما موافقیم. یک کار و تجربه مفیدی است احتمالاً. اگر نتیجه گرفتند که چه بهتر اما اگر نشد هم معنی آن این است که کشور باید روی پای خودش بایستد.

در دوران دفاع مقدس، دولت آمریکا به ریاست رونالد ریگان یکی از مقتدرترین دولت های دنیا بود و از آن طرف شوروی سابق و فرانسه و دیگر کشورها و ماهم یک کشور فقیر و محروم بودیم. با این حال دنیا دید که آنها نتوانستند باما کاری کنند. امروز که وضع برعکس شده است، تکلیف دیگر مشخص است.

به گفته یکی از مقامات آمریکایی، ایالات متحده امروز در وضعی قرار دارد که دوستانش احترامی به او نمی گذارند و دشمنانش دیگر از او نمی ترسند.

اما ما وضعمان خیلی خوبه شده، ما پیشرفت کرده ایم، ما مقتدر شده ایم. البته فشار هم می آورند، اما عاقلانه این است که با تکیه بر توانای های داخلی از آنها عبور کنیم.

این گفته ما نیست، گفته خود آنهاست. یکی از مسئولان آمریکایی اخیراً گفته بود. جمهوری اسلامی چه با انرژی هسته و چه بدون انرژی هسته ای خطرناک است. آن ها از نفوذ ما می ترسند. مشکلات آن ها باما فقط بر سر مسأله هسته ای نیست.

پای میز مذاکره آن کشوری غالب است که به درون خود تکیه داشته باشد.

چیزی را که لازم است به مسئولین گوشزد کنیم این است که حرف هارو ببینند و فریب لبخند دشمن را نخوردند. از این طرف می گویند ما آماده مذاکره هستیم و از این طرف می گویند همه گزینه ها روی میز است. که مثلاً چی؟ چه غلطی میتوانند بکنند؟

آمریکایی ها اگر جدی هستند باید خودشان را کنترل کنند. باید جلوی آن کسانی را که یاهو گویی می کنند را بگیرند. یک سیاستمدار پولدار آمریکایی یه غلطی کرد گفت ما در فلان صحرای ایران باید بمب اتم بیندازیم و از اینجور تهدید ها. آمریکاییها اگر راست می گویند بزنند دهان این یاهو گو را خرد کنند.

دولتی که توهم کنترل جهان را دارد و خود را مسئول می داند که با برنامه هسته ای کشورهای دیگر برخورد کند، غلط می کند باز کشوری را تهدید هسته ای بکند.



◆ آنچه در این شماره می خوانید :

* جامعه سه قطبی ایران

(گفته خواهد شد: "دیدید گفتیم مذاکرات هسته ای به نتیجه می رسد؟" و با این توطئه مخالفین توافق حذف می شوند و میدان برای استحاله نظام از اصول خود فراهم می گردد....)

* انرژی هسته ای ، دروازه جهان ها

(فناوری هسته ای برای جمهوری اسلامی جرقه ای خواهد شد که شعله های قدرت آن تا اعماق جان صهیونیست ها، امریکایی ها و همه دشمنان ملت را خواهد سوزاند. انرژی هسته ای دروازه جهان هاست؛ پلی برای کشورهای جهان سوم به جهان اول....)

* کاربرد فناوری هسته ای در کشاورزی

(آنچه باید بدانیم این است که هرروز بر دامنه استفاده از فناوری هسته ای افزوده می شود. به گونه ای که پیش بینی شده است تا پایان برنامه چهارم توسعه، ۵۰ درصد از حجم آلاینده های بخش کشاورزی باید از طریق کاربرد انرژی هسته ای کاهش یابد....)

* آب های مسموم

(جامعه ایران اساساً یک جامعه سنتی و مذهبی است. نافرجام بودن عمل به رویکرد های سکولاریستی را در تاریخ مملکت بارها و بارها دیده ایم؛ مثلاً خیزش مردمی تاریخی و اعتراض گسترده ملت ایران به قانون منع حجاب در دوران رضاخان....)

هفته نامه فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی رویش

صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

شماره مجوز : ۹۳۲۳۲۲

مدیرمسئول و سردبیر : مرتضی محمدپور

اعضای هیأت تحریریه :

آقایان : ضیایی ، حقّی ، تجویدی ، نوری و غمخوار

خانم ها : متدین ، توکلی ، سیددخت ، خرم رو ، آرین و قبادی

منتظر انتقادات و پیشنهادات سازنده شما هستیم

مطالب خودتان را برای ما بفرستید

پیامک : ۰۹۱۵۱۴۱۷۱۲

ایمیل : Rooyesh1358@gmail.com



سیاست

سخن سردبیر

با روی کار آمدن دولت جدید وگرم تر شدن تنور مذاکرات هسته ای با ۱+۵ ، به تدریج جامعه سیاسی ایران به سه دسته تبدیل شده است :

دسته اول موافقان هرگونه توافق هستند. این گروه حاضر به گوش دادن به هیچ حرفی نیستند، هرگونه توافقی را قبول دارند و پیروزی و موفقیت و رشد اقتصادی و رفع تحریم ها و حل همه مشکلات را درگرو انعقاد توافق می پندارند و برای شنیدن خبر آن لحظه شماری می کنند.

دسته دوم مخالفان هرگونه توافق هستند.این گروه درسختی نظر، مشابه گروه اول هستند. به طورکلی باور دارند توافق به هرشکلی ازآن محکوم و غیرمجاز است.

دسته سوم هم قشر خاکستری ملت هستند که یقین دارند توافق احتمالی در مذاکرات هسته ای نه یعنی ”رستگاری بزرگ“ و نه یعنی ”ازدست رفتن

انقلاب“ . ملت باور دارد که انعقاد تفاهم نامه نهایی، همه مشکلات سیاسی و اقتصادی جامعه را حل نمی کند (مخالف تصور دسته اول) و از طرف دیگر به معنای نابودی انقلاب و ازدست رفتن مملکت هم نیست (برخلاف اعتقاد گروه دوم).

اکثریت جامعه ایران از دسته سوم هستند و دستاورد مذاکرات هسته ای و امضای یک توافقنامه را فقط به معنای ”تفاهم درمسأله هسته ای“ می بینند و طبق گفته رهبرشان، حل مشکلات اقتصادی را هنوز درگرو اجرای اصول اجرا نشده اقتصاد مقاومتی وتکیه بر اقتصاد درون زا می دانند.

باید همواره به خاطر داشته باشیم که هدف ما از نشستن پای میز مذاکره با غرب، احقاق حقوق نادیده گرفته شده مان درزمینه مسائل هسته ای و رفع تحریم های ظالمانه دشمن با حفظ عزت واقتدار ملی است؛ که مثلا حفظ اسرار برنامه های نظامی مان از جمله موارد عزت بخش و اقتدارآفرین جمهوری اسلامی بوده است. ولی ازطرفی باید اهداف آمریکایی ها را هم از مذاکره با ما درنظر بگیریم. دشمن که با پیشرفت های ما درمسائل نظامی و هسته ای و علمی مواجه شده و تحریم های خودرا ناکارآمد دیده است، ناچار شده با ما مذاکره کند. هدف نهایی آن ها این است که تا بتوانند کمتر امتیاز بدهند و بیشتر امتیاز بگیرند– البته این هدف ماهم هست!– اما قصد پنهان

جامعه سه قطبی ایران

آمریکایی ها حذف نگاه استکبارستیزانه ملت و تطهیر چهره مخدوش خود درحافظه ایرانی ها و دریک کلام «حذف شعار مرگ بر استکبار» ماست ؛ شعاری که بیش از ۳۵ سال است از ادبیات ایرانیان جدا نشده است.

حال درشرایط فعلی نکته این است که آمریکایی ها برای رسیدن به هدف پنهان و اصلی خود یعنی حذف شعارمرگ بر استکبار ملت ایران، قصد دارند از نگاه **گفته می شود :”دیدید گفتیم مذاکرات هسته ای به نتیجه می رسد؟“** با **این توطئه مخالفین توافق حذف می شوند و میدان برای استحاله نظام از اصول خود فراهم می گردد؛ حذف آرمان «مرگ بر استکبار»، حذف نگاه «حمایت از ملت های مسلمان منطقه»** و… .

انقلابی هم هستند – اشتباه بوده است و این خطا در نگرش به مذاکره باغرب را به اصل «استکبارستیزی» تعمیم بدهد. گفته می شود :”دیدید گفتیم مذاکرات هسته ای به نتیجه می رسد؟“ با این توطئه مخالفین توافق حذف می شوند و میدان برای استحاله نظام از اصول خود فراهم می گردد؛ حذف آرمان «مرگ بر استکبار»، حذف نگاه «حمایت از ملت های مسلمان منطقه» و… .

کاری که باید انجام داد آن است که حمایت از تیم مذاکره کننده هسته ای را قطع نکنیم. تذکر دائمی این نکته که ”اینها فرزندان این انقلاب هستند“ وباور به اصل ”حمایت از خودی“ و”تضعیف دشمن“ برای همه مفید خواهد بود . تحقق کامل این امر باعث می شود که تیم مذاکره کننده ما نرسیدن به توافق را یک شکست نداند و درصورت وقوع چنین اتفاقی، بدون ترس از منتقدین و هجمه روانی داخلی به مملکت بازگردد؛ طوری که انگار هیچ چیز ازدست نرفته است – کمالینکه واقعا نرفته است- وبا درصورت تحمیل فشارهای ظالمانه از طرف دشمن، طرف ایرانی با تکیه برحمایت های داخلی شجاعانه زیر میز مذاکره بزند و به آغوش ملت –که درتمام طول مسیر حامی اش بوده است – برگردد .

از زمانی که ایرانیان چشم از دست بیگانه برداشتند و از حکومت ۲۵۰۰ ساله پادشاهی خود دست شستند، با موج سهمگینی از تهدیدات و حملات نظامی، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی مواجه شدند. قریب به ۳۷ سال است که ملت ایران پای انقلاب خود ایستاده است و از حرفی که در ۲۲ بهمن سال ۵۷ شد، دست برنداشته است. درطول این مدت هم هزینه های وحشتناکی پرداخت کرده است؛ از پاره پاره شدن بدن جوانانش در جنگ نظامی تا پاره پاره شدن ذهن جوانانش در جنگ فرهنگی . اما یک نکته عجیب اینجاست . باید از خود سؤال کنیم که چرا پس از ۳۷ سال، تازه امروز دشمن به فکر مذاکره با ما افتاده است؟

به یقین دلیل اینکه امریکایی ها حاضر به مذاکره با ما شده اند، این است که باور کرده اند که با تحریم و تهدید و خلاصه هیچ ابزاری نمی توانند ایران را زمین گیر کنند. ما علیرغم اینکه در زیر تحرم های کمرشکن دشمن بوده ایم، به طرز شگفت آوری پیشرفت کرده ایم و صورتهای مختلف این رشد جهشی ما در زمینه های نظامی، پزشکی و فنی مهندسی حتی در آیینه اعترافات دشمنان هم قابل رؤیت است و از این باب استناد می کنم به گفته

مقامات عالی رتبه امریکا در دوران تیم مذاکره کننده هسته ای دکتر روحانی در سال ۸۲ ؛ که حتی حاضر نبودند دربرابر ایرانیان پای میز مذاکره بنشینند ولی امروز می بینیم که رییس جمهور آمریکا به رهبر ایران نامه می فرستد، وزیر امور خارجه آمریکا به دنبال مذاکره مستقیم با وزیرامور خارجه ایران است و حتی در پروسه مذاکرات هسته ای با ۱+۵، این هیچ کشور بدخواه دیگری توان صدمه زندی شرمن امریکایی است که وقت های جلسات را جلو می اندازد! به راستی چه اتفاقی افتاده است که امریکایی ها اینقدر در رسیدن به توافق با ایران شتاب دارند؟

پاسخ به این سؤال را میتوان از نگاه های متفاوت بررسی کرد. اول آن که دولت دموکرات ایالات متحده به رهبری باراک اوباما به انتخابات دوروم خود نزدیک می شود و رسیدن به یک توافق خوب طوری که آمریکایی ها درآن امتیازات خوبی را از طرف ایرانی گرفته باشند، میتواند شانس اوباما را برای پیروزی در انتخابات الکترال ریاست جمهوری خیلی بالا ببرد. اوباما می خواهد به جامعه داخلی آمریکا نشان دهد که بزرگترین مانع آمریکا در تسلط بر آسیای غربی و دشمن شماره یک خود در منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران را وادار به نشستن پای میز مذاکره، صلح و پذیرش شرایط تحمیلی طرف آمریکایی کرده است و یعنی اینکه این دولت باراک اوباما بوده است که بالاخره سمبل مقاومت و استکبارستیزی را درهم شکست. از این منظر ، جان کری و دستگاه دیپلماسی آمریکا بسیار بیشتر از ایرانی ها به یک توافق احتیاج دارد پس اضطرار و عجله طرف امریکایی اصلا عجیب و دور از ذهن نمی نماید.

انرژی هسته ای ، دروازه جهان ها

در نگاه دوم باید تحولات منطقه ای را بررسی نمود . پروژه خلق یک گروه ناامنی ساز بارها و بارها توسط آمریکایی ها کلید خورد. خلق ارتش آزاد سوریه، جبهه نظامی النصره و درنهایت داعش بعنوان وارث دستاوردهای القاعده سابق از اقدامات امریکایی ها بود تا کمر محور مقاومت را بشکنند و اقدامات سی و چندساله جمهوری اسلامی را در تجهیز و آموزش دسته های مقاومت اسلامی در منطقه خنثی نماید. نقشه این بود که داعش، سوریه و عراق و لبنان را دراختیار بگیرد و سپس فلسطین هم کاملا به اشغال صهیونیست ها درآید وبه این وسیله پایگاه قدرت ایرانی ها از بین برود. اما با ورود شاخه های لژستیک میدانی و آموزشی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه، عراق و لبنان پروژه داعش هم نه تنها شکست خورد بلکه تشکیل حزب الله عراق ، تجهیز حزب الله لبنان به اسلحه های اتوماتیک و سنگین ایرانی و بازسازی ارتش سوریه با آخرین آموزش های نظامی ازجانب ایرانی ها نشان می دهد نفوذ جمهوری اسلامی تقویت هم شد. به این علت هم اکنون امریکایی ها چاره دیگری بجز مذاکره و توافق با ایران را ندارند .

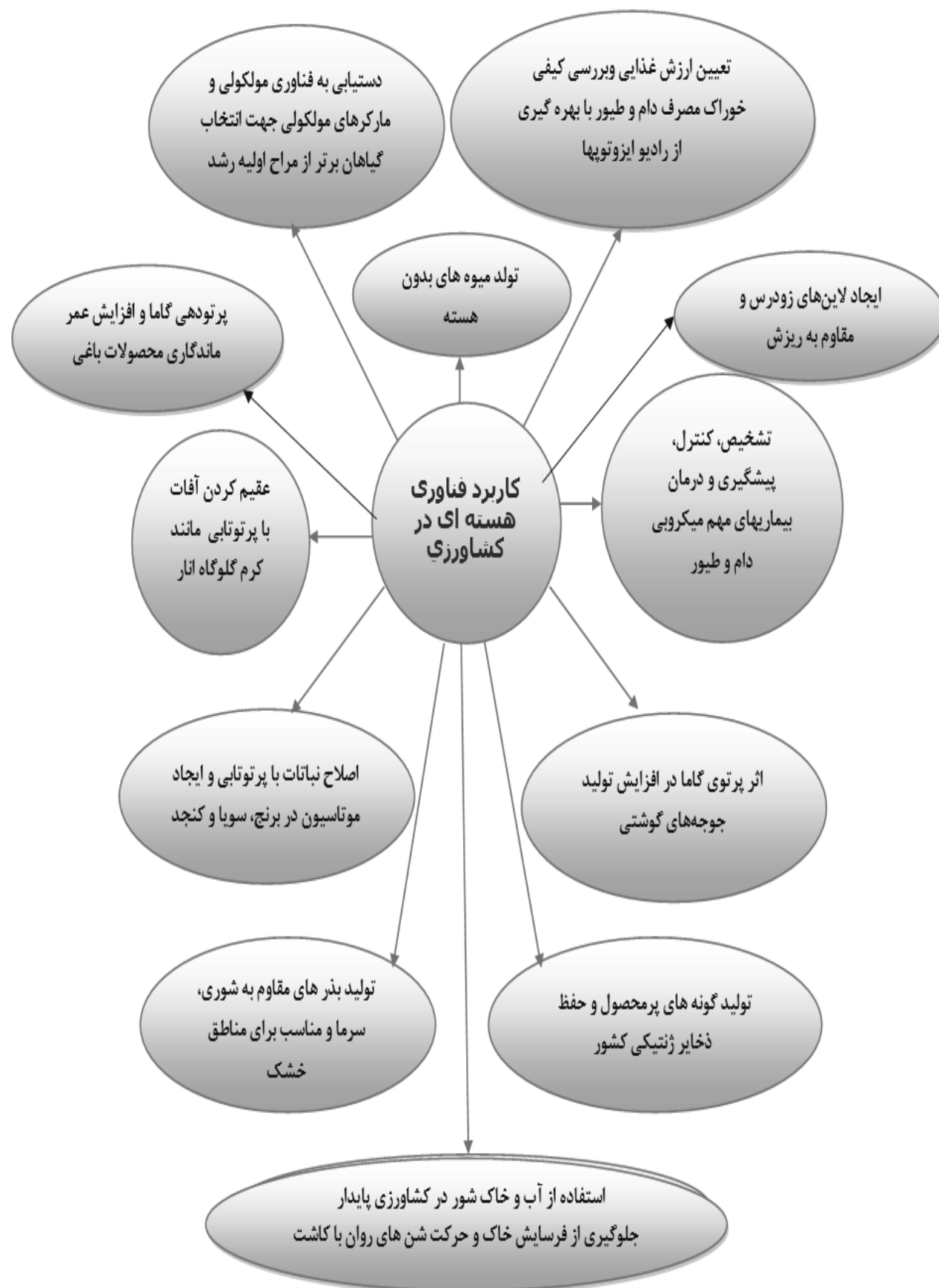
اما این سؤال که ”چرا پس از ۳۷ سال، تازه امروز دشمن به فکر مذاکره با ما افتاده است؟“ از دیدگاه سومی هم جای بررسی دارد. پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری میتوانست دلیل خوبی برای جورج بوش و همه رؤسای جمهور پیش از اوباما هم باشد یا حمایت ایران

از گروه های مقاومت اسلامی منطقه ای سابقه سی ساله دارد پس مدت ها قبل آمریکا باید اقدام به توافق با ایران می کرد. پس چرا دولتهای قبلی آمریکا تا این حد برای توافق با ایران شتاب زده نبودند؟ زمانی بود که ایرانی ها برنامه جامع سیستم پدافند موشکی خود را کلید زدند که برای آمریکایی ها بسیار ترسناک بود ویا سیاست راهبردی خود در حمایت از گروه های چریکی مقاومت منطقه

ای و به راه انداختن یک proxy war نامنظم را عملیاتی کردند که این هم برنامه های آمریکایی هارا برهم زد؛ ولی هردوی این اقدامات طوری بود که ایالات متحده می توانست با تحریم و تهدید و بعضا پرداخت هزینه های سنگین دریک حمله مستقیم نظامی جلوی آن هارا بگیرد. اما خواسته امروز ملت ایران یعنی دستیابی به فناوری هسته ای، عملا دسترسی و شکستشان را غیرممکن می کند. انرژی هسته ای کشاورزی را درایران رشد می دهد و برای مدتی بسیار طولانی زمینه تولید محصولات کشاورزی با کیفیت عالی و به صورت انبوه را برایشان فراهم می کند. این محصولات قابلیت صادرات راهم دارند پس تمام متحدان جمهوری اسلامی هم از دستاوردهای هسته ای آنها مستفیض می شوند. بواسطه افزایش صادرات اقتصاد ایران هم جان تازه ای می گیرد و این اقتصاد فعال شده، صنعت راهم راه می اندازد و این ایران صنعتی ثروتمند و خودکفا با تکیه بر رشد نظامی خود تبدیل به یک ابرقدرت منطقه ای و جهانی می شود؛ ابرقدرتی که نه ترکها، نه سعودی ها و نه هیچ کشور بدخواه دیگری توان صدمه زدن به آن را نخواهد داشت .

فناوری هسته ای برای جمهوری اسلامی جرقه ای خواهد شد که شعله های قدرت آن تا اعماق جان صهیونیست ها، امریکایی ها و همه دشمنان ملت را می سوزاند . انرژی هسته ای دروازه جهان هاست؛ پلی برای کشورهای جهان سوم به جهان اول .

سبحان ضیایی، مکانیک بیوسیستم ۹۲



(عاطفه سیددخت، دکتری ژنتیک دام ۹۰)

۶. زمان نگهداری محصول را بالا برد و آن را آفت زدایی کرد. یعنی به کمک فناوری هسته ای و پرتو تابی در حد مناسب می توان آفات را از بین برد و محصولات ارگانیک و عاری از هر گونه آلودگی تولید نمود.

دانشمندان کشور ما هم در مورد کاربری فناوری هسته ای در محصولات میوه گندم، جو، خرما، پنبه و سویا تحقیقات مفیدی انجام داده اند که میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تولید ۶ سویه جدید بذر پنبه، ۲ سویه جدید بذر برنج، ۴ سویه جدید بذر نخود، ۹ سویه بذر ذرت و یک سویه جدید بذر عدس که در آینده تبدیل به ارقام جدید بذر با ویژگی های مقاومتی بیشتر خواهد شد.

۲. تولید بذر نهال گیاهان شور پسند برای مناطق کویری از طریق اصلاح ژنتیک به روش تکنیک هسته ای؛ طوری که استفاده از این گیاهان باعث جلوگیری از افزایش بیابانی شدن اراضی و همچنین جلوگیری از فرسایش خاک در ایران خواهد شد.

۳. افزایش سطح زیر کشت در زمین های شور و مناطق خشک (این پروژه هم اکنون زیر نظر آژانس بین المللی انرژی اتمی و با همکاری چند کشور در مناطقی از استان های خوزستان، گلستان و یزد در حال انجام است. نمونه بارز آن تولید گندم طبری یا همان گندم اتمی بعنوان یکی از بهترین گندم ها برای مناطق خشک و شور ایران است.)

۴. اصلاح جو از طریق موتاسیون هسته ای به روش استفاده از مواد جهش زا و افزایش سطح تحمل این بذر نسبت به سرما و افزایش عملکرد نسبت به موارد مشابه در مناطق سرد.

۵. اصلاح پنبه از طریق موتاسیون هسته ای و افزایش سطح مقاومتی آن نسبت به بیماری های قارچی ورتیسلیوز و بهبود خواص کیفی آن به عنوان یک محصول صنعتی.

۶. اصلاح گندم از طریق روش موتاسیون هسته ای و رفع فاکتور منفی خوابیدگی در بذر، طوری که این گندم اصلاح شده اکنون مقاوم به خوابیدگی بوده و دارای ارزش محصول نیز می باشد.

آنچه باید بدانیم این است که هر روز بر دامنه استفاده از فناوری هسته ای و بویژه انرژی هسته ای افزوده می شود. کاربرد انرژی در بخش های مختلف به گونه ای است که اگر کشوری فناوری هسته ای را نهادینه نماید، در بسیاری از حوزه های علمی و صنعتی، ارتقاء پیدا می کند و مسیر توسعه را با سرعت طی می نماید؛ به گونه ای که پیش بینی شده است تا پایان برنامه چهارم توسعه، ۵۰ درصد از حجم آلاینده های بخش کشاورزی از طریق کاربرد انرژی هسته ای کاهش یابد. در این راستا به دلیل این که کشاورزی یکی از پایه های مهم اقتصادی هر کشور است و تامین امنیت غذایی یک کشور از اهمیت بالایی برخوردار است، استفاده از فناوری های مختلف در این حوزه از اهمیت هر چه بیشتر آن حکایت می کند.

(عاطفه سیددخت، دکتری ژنتیک دام ۹۰)

یکی از ارکان توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی، دانایی محوری و تلاش برای خودکفایی است و دانش هسته ای فرآیند تحقق این اهداف را سرعت می بخشد. با افزایش جمعیت، نیاز به غذا افزایش می یابد که باعث تولید بیشتر محصولات کشاورزی می شود؛ در نتیجه منابع آبی به تدریج کاهش و فرسایش خاک افزایش می یابد و در صورت ادامه ی این روند شاهد نابودی منابع آبی و خاکی کشور خواهیم بود. از طرفی هم نمی توانیم تولید را به دلیل از دست دادن محیط و تخریب منابع متوقف کنیم؛ بلکه باید بین این دو رابطه ای برقرار سازیم که در آن روش های تولید و نیز روش های حفاظت منابع آب و خاک در تعادل باشند. یکی از راه های استفاده ی بهینه از منابع آب و خاک و تامین امنیت غذای جامعه ی امروز و نسل آینده، استفاده از فناوری هسته ای است. ایران برای رهایی از اقتصاد تک محصولی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، مجبور است که با استفاده از فناوری های نوین به توسعه ی هر چه بیشتر کشاورزی به عنوان بخش درآمدزا اقدام کند. فناوری هسته ای علاوه بر اینکه برای پژوهش های کشاورزی به عنوان یک ابزار محسوب می شود برای سالم سازی، افزایش تولید و کنترل آفات و بیماری های محصولات کشاورزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. که در حال حاضر کشورهای مختلف از این فناوری بهره می برند. به عنوان مثال، با استفاده از تکنیک های هسته ای می توان:

۱. عمر محصولات کشاورزی را بالا برد به گونه ای که در مقابل آفات نیز مقاوم باشند.

۲. در مهندسی ژنتیک "نشان دارها" را تولید کرد که برای ردیابی و جداسازی ژن ها و بررسی تنوع ژنتیکی ارقام استفاده می شوند به طوری که می توان با اتم های رادیواکتیو، فسفر، پروتئین، گوگرد و اسیدهای آمینه را ردیابی، استخراج و از طریق آن صفات مثبت را تقویت و صفات منفی گیاه مثل بیماری ها را از بین برد.

۳. روی صفات گیاهان نیز تغییر ایجاد کرد. به عبارت دیگر، هر کدام از صفات رنگ، ارتفاع، تعداد گل، زودرسی و دیررسی را می توان بسته به خواسته در گیاهان تغییر داد.

۴. بذر را پر محصول و مقاوم کرد طوری که بذر ها مقاوم در برابر شوری، سرما و حتی مناسب برای کشت در مناطق خشک باشند. با توجه به محدودیت منابع آب کشور، با پرتو دهی بذر ها می توان آنها در آب و خاک شور و مناطق سرد هم کشت کرد. از این طریق در برخی مناطق کویری هم می توان گیاهان مقاومی را کاشت و بارور نمود.

۵. از جوانه زدن محصولات کشاورزی در انبارها جلوگیری کرد. یعنی با پرتو تابی، فعالیت جوانه ها متوقف و مدت نگهداری در انبار بالا می رود که این کار هم جلوگیری از خسارت ها را می گیرد و هم برای صادرات مناسب است.

آب های مسموم

وابستگی به گفتمان غرب و غالب تصورکردن آن دیدگاهی است که امروزه توسط بسیاری دنبال می شود؛ یعنی پیشرفت های اقتصادی و علمی و صنعتی جهان غرب طوری تفسیر می شود که گویا برای رسیدن به آن نقطه متعالی صنعتی و علمی باید از همه جهات خود را مشابه آنها کنیم . با این رویکرد، پیشرفته بودن وجه های ظاهری امپریالیسم با گفتمان سکولاریستی و باور جدایی دین از زندگی مادی متناظر می گردد. این نگرش، امروز وجود دارد که باید دست از دخالت دین و توصیه های اخلاقی آن در زندگانی و سیاست برداشت تا پیشرفت کرد. این را درآییننه اظهاراتی چون ”این قدر درزندگی مردم دخالت نکنید ولو به خاطر دلسوزی، بگذارید مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند؛ نمیتوان مردم را با زور و شلاق به بهشت برد.“ میتوان دید.

سخنرانی دکترحسن روحانی در ۱۷ خرداد، بازتاب های گسترده ای در مجامع عمومی و اجتماعی داشت. دکتر روحانی با بیان این نکته که ”تحریم ها باید ازبین برود تا مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود و منابع آبی زیاد شده و بانک ها احیا شوند.“ مجددا وجود نگرش کاپیتالیستی را در بدنه دولت به رخ کشید. اینکه همه مشکلات هنگامی حل می شوند که به دامن غرب پناه ببریم و خود را با آنان تطبیق دهیم، همان تله خطرناکی است که پیشتر اشاره شد. هرچند هم که ما نخواهیم دست از اصول خود برداریم و با حفظ مواضع، با دشمن کنار بیاییم ، مطابق

حکم صریح و قطعی قرآن که ”لن ترضی عنک الیهود و النصراری حتی تتبع ملتهم“ این وعده الهی است که ”اگر قصدتان خروج از موضع دشمنی با دشمنان و مصالحه با آنان باشد بدانید که آنان هیچگاه از شما راضی نخواهند شد مگر آن که دست از ایمانتان بردارید.“

اتخاذ این نگاه های سطحی معمولا به طبقه عوام اختصاص دارد ولی خوشبختانه عموم جامعه ایرانی، چنین تفکراتی را نمی پذیرد. اما جای بسی تأسف است که امروز نه عامه مردم بلکه خواص رویکردهای سکولاریستی را مطابق مثالهای گفته شده، دنبال می کنند. استاد حسن رحیم پور ازغذی حیات این مانیفست را اشکال در گفتمان تربیتی پیروانش می داند؛”اینکه بعضی از مسئولان صراحتا می گویند آب خوردنمان با اراده غرب است؛ محصول آموزش و پرورش و درس خواندن در مکتب غرب است. امروز حتی نخبگانمان هم متأسفانه با این تفکر بزرگ شده اند.“

اما به طور کلی، توجه به یک نکته ضروری است و آن اینکه جامعه ایران اساسا یک جامعه سنتی و مذهبی است. نافرجام بودن عمل به رویکرد های سکولاریستی را در تاریخ مملکت بارها و بارها دیده ایم؛

از غرب زدگی و انحطاط پادشاهان قاجاری و به تبع آن وجود انزجار عمومی از تفکرات وابسته آن ها درجامعه آن دوران تا خیزش مردمی تاریخی و اعتراض گسترده ملت ایران به قانون منع حجاب در دوران رضاخان. درآن دوران باوجود سلطه نظام های فکری و سیاسی غرب گرا (نظیر پادشاهی قاجار و پهلوی)، ملت سنتی و مذهبی ایران جداشدن از اعتقاداتش را برنتافت و امروز هم این گونه نخواهد شد؛ چراکه علاوه بر باورهای تثبیت شده و آگاهی عمومی گسترده مردم، هنوز روح و ذات دین گرای ملت نیز به خواب نرفته است و علاوه برآن، حکومت هم یک حکومت کاملا دینی و برخاست از اعتقادات مردمی است؛ سند این گفته نیز در محبوبیت رهبران ایران که همزمان با عهده دار بودن مسئولیت رهبری، ازجمله علمای طراز اول

زمانشان هم محسوب می شوند میتوان به وضوح دید. زمانی که امام خمینی(ره) می گفت : ”جامعه ایران اساسا یک جامعه سنتی و مذهبی است. نافرجام بودن عمل به رویکرد های سکولاریستی را در تاریخ مملکت بارها و بارها دیده ایم؛ از غرب زدگی و انحطاط پادشاهان قاجاری و به تبع آن وجود انزجار عمومی از تفکرات وابسته آن ها درجامعه آن دوران تا خیزش مردمی تاریخی و اعتراض گسترده ملت ایران به قانون منع حجاب در رگهای ملت وجود دارد و پیشانی آن هم همان شعار ”مرگ برآمریکا“ است، همیشه وجود داشته است – به استناد فتوای تحریم توتون و تنباکو یا دفاع مردمی دربرابر حمل روس ها درزمان فتحعلی شاه- اما قریب به سی و چندسال (عمر انقلاب اسلامی) است که بصورت کانالیزه و هدفمند درجامعه مطرح شده و به ذات بیانه ستیزی ایرانیان جان تازه بخشیده است. فراگیر شدن این نگاه ابتدا درجامعه داخلی ایران و سپس اشاعه آن در تمام منطقه و تشکیل گروه های مقاومت اسلامی ازجمله بینات و مثالهای روشنی است که استعداد زیاد این تفکر را برای غالب شدن نشان می دهد.

امید است که نکات مثبت و متعالی مقاومت هم توسط خواص مشاهده شود تا با تکیه بر استعدادهای درونی و با الگو قراردادن موفقیت های بسیار گفتمان اسلام ناب – که بیش از گفتمان لیبرالی با ذات ملت ما انطباق دارد- شاهد رسیدن به اهداف متعالی جامعه خود باشیم.

اجازه نیست

دیگر برای حل معما اجازه نیست

حق حرف رهبر است پس امضا اجازه نیست

سی سال پیش بوده وحالا اجازه نیست

ایران ماست قصه ناموسی شما؟

دل خوش نکرده ایم به روبوسی شما

امروز وضع کشورمان فرق می کند

کی شیعه با مرور زمان فرق می کند

وقتی تفنگ روی سرما گرفته اید

بیخود میان مُلک علی جاگرفته اید

اسرار ما به دیده بد وا نمی شود

هرچه کنند تابه ابد وا نمی شود

پشت دراست حضرت زهرا اجازه نیست

حق حرف رهبر است پس امضا اجازه نیست

ما امتییم، از طرف ما اجازه نیست

فرموده است حضرت آقا اجازه نیست

ناموس ما و دیده اعداء اجازه نیست

لعنت به مکر و حيله و سالوسی شما

موزه شده است لانه جاسوسی شما

دل خوش کنیم قیمت نان فرق می کند؟

این خاک با تمام جهان فرق می کند

پس ارزش مذاکره ارا گرفته اید

ازما اگرچه که دوسه امضا گرفته اید

وقتی امام قفل زند، وا نمی شود

این در به ضرب زور و لگد وا نمی شود

هرجا اجازه هست دراینجا اجازه نیست

فرموده است حضرت آقا اجازه نیست

محمد مروستی زاده

